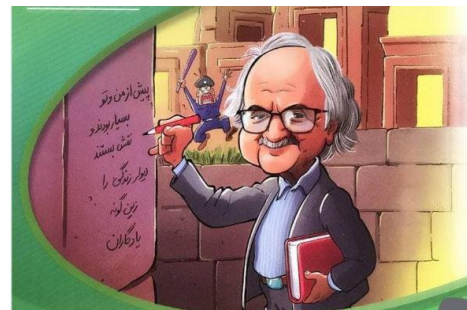
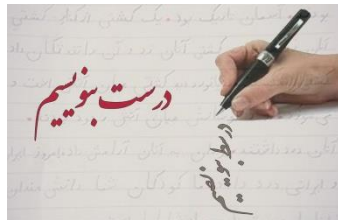


کلمات ، عبارت ها و جملات مهم برای امتحان املا



- درختان سرسبز **باغ** و **صحرا** را دیدم که شاخه دست های **خویش** را به آسمان **برافراشته** بودند.
- **غرقه** شکوه و **اعجاز** زیبایی **خلقت** بودم که ناگهان نوازش **لطیف** و خنکی را در لای انگشتان **برهنه** ام **احساس** کردم.
- کودکان **پرنشاط** گل بوته ها و نوجوانان امیدوار **ذرت** ها در گوش نسیم **آمین** می گفتند.
- آب ، این **روح مذاب** امید و زندگی ، **تازه نفس** ، جوان ، **زال** و نیرومند با گام های **استوار** و امیدوار شتابان می رفت .
- به **احساسات** خاموش اما سرشار از پاکی و **صفای** این **طبیعت** و سبزه های **معصوم** پاسخ می گفتم و به **خالق** آنها می اندیشیدم.
- **جامعه** ما **بحمدالله** از **میلیون** ها جوان و دختر برخوردار است . این **مایه** افتخار برای ملت ماست.
- اینها چرا **صلاح** و پاکدامنی و **پارسایی** و **صداقت** جوانان را نمی بینند؟
- جوانان ما با **پشتوانه** ایمان و **همت** و **غیرت** توانسته اند **استعداد** جوشان و پنهان خود را آشکار کنند.
- اگر نیروی جوانی و شادابی و چالاکی این دوره را با **تأمل** ، تفکر و **بصیرت** همراه کنیم به شکوفایی خواهیم رسید.
- این جلوه های گوناگون نوجوانی هیچ کدام **بیهوده** نیستند . ریشه در نیازها و **علاق** ما دارند.
- نوجوانی دوره ای **شبيه** به رويا و زيبا است. زیبایی و **قشنگی** آن را با کم **حوصلگی** و دلخوری های **بیهوده** زشت و تاریک نکنیم.
- **باقی** قلبم را گذاشتم برای همه آدم های بد ، به **شرطی** که خودشان را درست کنند.
- فکر کردم حالا دیگر توی قلبم حسایی **شلوغ** شده .
- آن **نصفه** خالی را با **رضایت** و **خوشحالی** دادم به همه آدم های خوبی که توی **محله** ما زندگی می کنند.
- بچه ها را **اذیت** نکنند ، دریاها را **کنیف** نکنند ، جانورها را نکشند و به کسی **زور** نگویند.



اثاث یا اساس؟

اثاث : لوازم خانه
اساس : پایه و بنیان

- ای هست کن **اساس** هستی
- او تمام **اثاث** خانه را فروخت .

خواست یا خاست؟

خواست : چیزی را طلب کردن
خاست : بلند شدن

- شبنم از روی برگ گل **برخواست** .

- **خواستم** باقی قلبم را بدهم به تمام آدم های خوب .



Daneshchi.ir



خویش : خود ، خودی ، آشنا
خیش : ابزار کشاورزی ، گاو آهن

خویش یا خیش؟

- شاخه دست های **خویش** را به آسمان برافراشته بودند.



مایه : موجب ، دلیل ، باعث
مایع : از حالت های ماده ، هر چیز روان

مایه یا مایع؟

سلاح : ابزار جنگ ، تفنگ
صلاح : نیکی ، خوبی ، درستکاری ، شایستگی



- اینها چرا **صلاح** و پاکدامنی و پارسایی و صداقت جوانان را نمی بینند؟